



شورای راهبردی روابط خارجی
Strategic Council on
Foreign Relations

نفاق برخی دولت‌های عربی اسلامی در ادعای حمایت از غزه

برخی از دولت‌های منطقه در بسیاری از موارد همسو و تابعی از دستوراتی که غربی‌ها به آنها اعلام می‌کنند، هستند. شاید این دولت‌ها حاشیه امنی داشته باشند، اما توان مخالفت با غرب را ندارند و اگر جایی با غرب مخالفت کردند در سناریویی از پیش تعیین شده این کار انجام می‌گیرد. از ابتدای قیام در فلسطین به خصوص قیام سازمان یافته که از سال ۱۹۶۵ با جنبش فتح آغاز شد، این دولت‌ها با این گونه حرکت‌ها مشکل داشتند و آن را تهدیدی برای امنیت خود تعریف می‌کردند، به همین دلیل تلاش داشتند این جنبش به گونه‌ای تضعیف شود، حتی سعی کردند از طریق کمک مالی آن را مهار کنند. آنها کمک مالی کردند، اما نه برای ارتقاء و تحقق عدالت در این سرزمین، بلکه با هدف کشاندن آنها به سمت نوعی سازش که در سال‌های اخیر هم این اتفاق تا حدودی افتاد. برخی دولت‌های عربی منطقه از آغاز عملیات طوفان الاقصی در کار مقاومت و توانمندی‌هایش تشکیکی می‌کنند. آنها کار مقاومت و جنبش‌های آزادی‌بخش را ماجراجویی می‌دانند و تهدید امنیت ملی خود می‌دانند تا جایی که تلاش دارند در پشت صحنه به رژیم صهیونیستی کمک نمایند. رژیم صهیونیستی تا سال ۱۹۸۵ اقتصاد قوی نداشت و عمدتاً متکی به کمک‌های آمریکا بود به شکلی که حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد بودجه رسمی رژیم صهیونیستی با کمک آمریکا تأمین می‌شد، اما از سال ۱۹۸۵ بحران شدید رژیم صهیونیستی رخ داد و آمریکا مدیریت اقتصاد آن را به گونه‌ای به دست گرفت و تلاش کرد این اقتصاد که ایجاد سوسیالیستی داشت، به اقتصاد بازار آزاد تبدیل شود و این همزمان شد با تحولات سیاسی و انتقال از مرحله حاکمیت مطلق حزب کار به حزب لیکود. از آن زمان آمریکا سالانه ۳/۸ میلیارد دلار به آن کمک کرده است، اما این میزان کمک حتی یک درصد از اقتصاد رژیم صهیونیستی هم نیست. امروز GDP رژیم صهیونیستی ۵۲۰ میلیارد دلار است و درآمد سرانه آن ۲۸ هزار دلار. شروع طوفان الاقصی عملاً چرخه اقتصاد در رژیم صهیونیستی را متوقف کرده است، به این معنا که روانه از تولید کالا و خدمات که حدود ۱/۴ میلیارد دلار درآمد داشت، کاسته شده و به این بخش صدمه زیادی وارد شده است. از طرفی به دلیل احضار سربازان ذخیره و بودن مردم در پناهگاه‌ها، روزانه فرصت‌های اقتصادی زیادی از دست رفته و به اینها باید مختل شدن صنعت گردشگری و تولید خدمات و کالا، یا متوقف شدن فعالیت‌ها به‌ویژه در حوزه‌های فناوریانه را هم اضافه کرد. با گذشت بیش از صد روز از جنگ می‌توان تحقیقاً گفت که رژیم صهیونیستی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار زیان اقتصادی متحمل شده است. کاهش ارزش «شیکل» (واحد پولی) رژیم صهیونیستی، ورود انصاری به مقابله با رژیم صهیونیستی و تهدید رفت و آمد کشتی‌های دریایی از یا به رژیم صهیونیستی عملاً مشکلات اقتصادی ایجاد کرده و تورم ۱۰ الی ۲۰ درصدی ایجاد شده، قابل توجه است. به‌طور کلی اقتصاد رژیم صهیونیستی از طوفان الاقصی آسیب جدی دیده است و بازگشت به شرایط قبل هزینه‌بر و زمان‌بر است. اگر هزینه جنگ را کنار هزینه اقتصادی قرار دهیم، تصور این است که زیان رژیم صهیونیستی از ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار هم فراتر خواهد رفت. برخی دولت‌های عربی بر خلاف مواضع رسمی و شعارهایی که در دفاع از فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی دارند، به لحاظ مالی و اقتصادی به این رژیم به نوعی کمک می‌کنند. شماره‌ها و مواضعی که از سوی این دولت‌ها در ظاهر در حمایت از مردم فلسطین مطرح می‌شود، برای آرام کردن افکار عمومی‌شان است. متأسفانه این دولت‌ها همین شرایط اجتماعی داخلی خود و وابستگی به غرب یکی به نعل و یکی به میخ می‌زنند. رفتار اصلی این دولت‌ها همان هم‌پیمانی با غرب و رژیم صهیونیستی است. آنچه به دروغ در حمایت از فلسطین اعلام می‌شود، مخاطب داخلی دارد. آنها تلاش دارند بر رفتارهای سیاسی خود که آغشته به نفاق است رنگ و لعاب دینی و اسلامی ببوشانند. امارات یکی از کشورهایی است که بیشترین کمک‌های بشردوستانه را برای مردم فلسطین ارسال کرده است در حالی که با رژیم صهیونیستی روابطش را عادی سازی کرده و سیاست کلی‌اش ضدحساس و فلسطینی‌هاست و آنها را در لیست تروریستی قرار داده است، از این رو اگر به فلسطینی‌ها کمک می‌کند برای سرپوش گذاشتن بر تبعیت کاملش از غرب و همراهی با رژیم صهیونیستی است.

بین‌الملل

INTERNATIONAL



ویلیام برنز

رئیس آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA)

تا زمانی که کشورهای اسرارشان را از یکدیگر مخفی نگه می‌دارند، به‌طور طبیعی همواره سعی خواهند کرد آنها را از هم بدزدند. جاسوسی بخشی جدایی‌ناپذیر از حکومت‌داری بوده و خواهد بود و حتی تکنیک‌های اجرای آن به‌طور مداوم در حال تکامل هستند. اولین جاسوسان آمریکا در جنگ انقلاب از الگوریتم‌های رمزنگاری، شبکه مخفی پیک‌ها و جوهر نامرئی استفاده می‌کردند تا اطلاعات را بین یکدیگر و متحدان خار جی خود رد و بدل کنند. در جنگ جهانی دوم، با ظهور حوزه جدید شنود الکترونیک، کشف نقشه‌های جنگی ژاپن ممکن شد. در اوایل جنگ سرد، با ظهور هواپیماهای جاسوسی U-۲ و دیگر هواپیماهای جاسوسی که در ارتفاع بالا پرواز می‌کردند، عکسبرداری از تأسیسات نظامی شوروی ممکن شد و توانایی‌های اطلاعاتی ایالات متحده به معنای واقعی کلمه در سطح استراتوسفر قرار گرفت.

ستاره‌های ساده حک‌شده بر روی دیوار یادبود مقر سیا در لانگلی ویرجینیا، نماد تجلیل از ۱۴۰ افسر آژانس مرکزی اطلاعات است که جان خود را برای خدمت به کشورشان فدا کردند. این یادبود خاطره‌ای ماندگار از شجاعت‌های بی‌شمار این افراد است. با این حال، آن قهرمانی‌ها و موفقیت‌های بی‌سروصدا سازمان سیا برای عموم مردم آمریکا کمتر شناخته شده است و خیلی‌ها بیشتر اشتباه‌هایی را به یاد می‌آورند که گاهی اوقات در طول تاریخ چهره سیا را مخدوش کرده است. همواره مهمترین آزمون کار اطلاعاتی، پیش‌بینی تحولات و ارائه کمک به سیاست‌گذاران برای هدایت تحولات عمیق در چشم‌انداز بین‌المللی بوده است. اینها تحولاتی هستند که تنها چند بار در هر قرن رخ می‌دهند.

همانطور که پریزیدنت جنو بایدن مدام بیان کرده، امروز ایالات متحده با یکی از آن دوره‌های نادر مواجه است که پیامدهای آن چیزی شبیه به دوران آغاز جنگ سرد یا دوره پس از ۱۱ سپتامبر است. ظهور چین و ستنیزه‌جویی روسیه، چالش‌های ژئوپلیتیکی دلپره‌آوری را در دنیایی که رقابت استراتژیک در آن به شدت در جریان است، ایجاد می‌کند؛ دنیایی که در آن ایالات متحده دیگر از برتری بلامنابع برخوردار نیست و تهدیدات اقلیمی که حیات را تهدید می‌کنند، در حال افزایش هستند. آنچه که مسائل را پیچیده‌تر می‌کند، وقوع انقلاب در فناوری است که حتی در سطحی فراگیرتر از انقلاب صنعتی با آغاز عصر هسته‌های شدن، رخ داده است. از ریزش‌ها گرفته تا هوش مصنوعی تا محاسبات کوانتومی، باید گفت که فناوری‌های نوظهور نه تنها جهان را، بلکه کار اطلاعاتی را نیز متحول می‌کنند. این تحولات کار سازمان سیا را سخت‌تر از همیشه می‌کند و دشمنان ابزارهای قدرتمند جدیدی می‌دهد تا ما را گیج کنند، از مافزار کنند و از ما جاسوسی کنند.

با این حال، به همان اندازه که جهان در حال تغییر است، جاسوسی همچنان یک کنش متقابل بین انسان و فناوری باقی مانده است. همچنان راه‌هایی وجود خواهد داشت که فقط انسان‌ها می‌توانند آن‌ها را به‌دست آورند و عملیات‌های مخفی در کار خواهند بود که فقط انسان‌ها می‌توانند انجام‌شان دهند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به‌ویژه در حوزه شنود الکترونیک، چنین عملیات‌های انسانی را منظور که برخی پیش‌بینی می‌کردند، بی‌ربط نکرده، بلکه در عمل انقلابی در اجرای این عملیات‌ها ایجاد کرده است. سازمان سیا برای اینکه بتواند یک سرویس اطلاعاتی مؤثر در قرن بیست‌ونیم باشد، باید تسلط بر فناوری‌های نوظهور را با مهارت‌های انسانی و جسارت فردی که همیشه در مرکز توجه کار ما بوده، درهم آمیزد. این کار یعنی تجهیز افسران عملیاتی به ابزارها و مهارت‌های تجاری برای انجام جاسوسی در دنیایی که تحت نظارت مداوم فناوری است. تحلیلگران اطلاعاتی باید به مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی که می‌توانند مقادیر عظیمی از اطلاعات منبع باز و اطلاعاتی که مخفیانه به‌دست آمده را پردازش کنند، تجهیز شوند تا نیروی انسانی بتوانند درست‌ترین و بهترین نتایج را از این اطلاعات استخراج کنند.

در عین حال، آنچه که سازمان سیا با جمع‌آوری اطلاعات انجام می‌دهد نیز در حال تغییر و تحول است؛ «طبقه‌بندی استراتژیک اطلاعات»، افشای عمدی اسرار خاص برای تضعیف رقبای متحدان و به خط کردن متحدان، به ابزار قدرتمندتری برای سیاست‌گذاران تبدیل شده است. استفاده از ترغیب به معنای بی‌احتیاطی در به خطر انداختن منابع یا روش‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه به معنای مقاومت عاقلانه در برابر تمایل انفعالی برای طبقه‌بندی کردن همه چیز است. جامعه اطلاعاتی ایالات متحده همچنین در حال یادگیری ارزش روزافزون دیپلماسی اطلاعاتی است و به درک جدیدی از اینکه چگونه تلاش‌هایش برای تقویت متحدان و مقابله با دشمنان می‌تواند از سیاست‌گذاران حمایت کند، رسیده است.

ما در دوران چالش‌های تاریخی برای سازمان سیا و کل حرفه اطلاعاتی هستیم؛ تغییرات ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی از موم بزرگی را در این حوزه به همراه داشته است. موفقیت ما به این بستگی دارد که بتوانیم با استفاده از روش‌های خلاقانه، هوش سنتی انسان را با فناوری‌های نوظهور ترکیب کنیم. به عبارت دیگر، این امر مستلزم انطباق با جهانی است که در آن تنها پیش‌بینی مطمئن در مورد تغییرات است که به آن شتاب می‌دهد.

رها شدن پوتین از قید و بند

وقتی روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد، جهان پسا جنگ سرد به‌طور قطع به پایان رسید. من بیشتر وقتم در دو دهه گذشته را صرف درک ترکیب تنش‌زای شکوه‌ها، جاه طلبی‌ها و

احساس ناامنی کرده‌ام که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در ذهنش تجسم می‌کند. چیزی که من آموخته‌ام این است که دست‌کم گرفتن علاقه او به کنترل اوکراین و گزینده‌های پیش رویش، همیشه اشتباه است. پوتین معتقد است که بدون کنترل اوکراین، غیر ممکن است که روسیه بتواند قدرت بزرگ باشد و یا او بتواند به یک رهبر بزرگ در روسیه تبدیل شود. این تصور غم‌انگیز و وحشیانه تا همین جای کار نیز مایه آبروریزی روسیه شده و نقاط ضعفش را آشکار کرده است؛ این تصور پوتین ضعف‌هایی نظیر اقتصاد تک‌بُعدی روسیه، قدرت نظامی غلوشده و سیستم سیاسی فاسد این کشور را فاش کرده است. علاوه بر این، تهاجم پوتین به اوکراین، عزم جزم مردم اوکراین را برانگیخته است. من شجاعت آنها را در سفرهای مکرری که در میانه جنگ به اوکراین داشتم و در بحبوحه حملات هوایی روسیه دیده‌ام؛ تصاویری واضح را از سرسختی و نبوغ اوکراینی‌ها در میدان نبرد از نزدیک مشاهده کرده‌ام.

در بسیاری از سطوح، پوتین در این جنگ شکست خورده است. هدف اولیه او در تصرف کی‌یف و تحت سلطه درآوردن اوکراین، احمقانه و توهم‌آمیز بود. ارتش او صدمات زیادی را متحمل شده است. حداقل ۳۱۵ هزار سرباز روسی کشته یا زخمی شده‌اند. دوسوم موجودی تانک‌های روسیه در دوران قبیل از جنگ نابود شده‌اند و برنامه نوسازی نظامی پوتین که دهه‌ها طول کشیده بود، حالا از کار افتاده است. همه اینها نتیجه مستقیم شجاعت و مهارت سربازان اوکراینی است که با حمایت غرب پشتیبانی می‌شوند. در همین حال، اقتصاد روسیه با یک عقبگرد طولانی مدت روبرو است که سال‌ها دوام خواهد داشت و حالا روسیه سرنوشته خود را به دنبال‌هروی از اقتصاد چین گره زده است. جادطلبی‌های بیش از حد پوتین به شکل دیگری نیز نتیجه معکوس داشته و آن چیزی نیست جز تشویق ناتو برای اینکه بزرگ‌تر و قوی‌تر شود.

اگر چه به نظر نمی‌رسد که قدرت سرکوبگرانه پوتین به این زودی‌ها تضعیف شود، اما جنگ او در اوکراین بی‌سروصدا قدرت او را در داخل روسیه از بین می‌برد. شورش کوتاه‌مدتی که در ژوئن گذشته توسط یوگنی پریگورژین، رهبر گروه واکنر به راه افتاد، تصویری اجمالی از برخی از ناکارآمدی‌های نهفته در پشت‌تصویری است که پوتین سعی می‌کند با دقت تمام از میزان قدرت و کنترل خود، به جهان ارائه کند. رهبری که با سرسختی به‌عنوان برقرارکننده نظم برای خودش شهرتی دست‌وپا کرده بود، در حالی که نیروهای پریگورژین به سمت مسکودر حال حرکت بودند، برای ساعاتی فلج شده و قادر به تصمیم‌گیری نبود. از نظر بسیاری از نخبگان روسی، سوال صرفاً این نبود که آیا امپراطور لباس به تن دارد یا نه، بلکه سوال این بود که چرا لباس پوشیدن او اینقدر طول می‌کشد. پوتین به انتقام‌جویی و مقابله‌بمئل معروف بود. در نهایت دو ماه بعد از یورش پریگورژین با او تسویه حساب کرد و پریگورژین در ساحتی سقوط یک هواپیما کشته شد اما انتقادات گزنده پریگورژین از دروغ‌ها و تصمیمات نادرست نظامی در مرکز حلقه تصمیم‌گیری پوتین درباره جنگ و فساد که در قلب سیستم سیاسی روسیه نهان‌پند شده است، به این زودی از یاد نخواهد رفت.

امسال احتمالاً سال سختی برای میدان نبرد در اوکراین خواهد بود. امسال، آزمونی برای حفظ قدرت است پیامدهای آن فراتر از مبارزه قهرمانانه اوکراین برای حفظ آزادی و استقلال خواهد بود. همزمان با تلاش پوتین برای احیای تولیدات دفاعی روسیه با استفاده از تجهیزات حیاتی از چین و همچنین تسلیحات و مهمات از ایران و کره شمالی، او همچنان معتقد است که زمان به نفع اوست و می‌تواند اوکراین را نابود کرده و حامیان غربی‌اش را از بین ببرد.

چالش اصلی اوکراین این است که فرور پوتین را خنثی کرده و هزینه‌های سنگین ادامه درگیری‌ها را بر روسیه تحمیل کند. این کار نه تنها با پیشرفت در خط مقدم بلکه با انجام حملات در عمق بیشتر و دست‌یابی به دستاوردهای ثابت در دریای سیاه، ممکن خواهد شد؛ در این شرایط، پوتین ممکن است دوباره درگیر خط و نشان کشیدن‌های هسته‌ای شود و نادیده گرفتن خطرات این نوع از تشدید تنش، کاملاً احمقانه است. اما مرعوب شدن از اونیز به همان اندازه احمقانه خواهد بود.

کلید موفقیت در حفظ کمک‌های غرب به اوکراین نهفته است. با صرف کمتر از پنج درصد از بودجه دفاعی ایالات متحده، واشنگتن یک سرمایه‌گذاری نسبتاً متوسط با بازده ژئوپلیتیک قابل توجه برای خودش و بازده قابل توجه برای صنعت آمریکا صورت می‌دهد. در صورت ایجاد فرصتی برای مذاکرات جدی و تداوم جریان ارسال تسلیحات، اوکراین را در موقعیت قوی‌تری قرار می‌دهد. این کار فرصتی را برای تضمین یک برد بلندمدت برای اوکراین و یک باخت استراتژیک برای روسیه به دست می‌دهد. اوکراین می‌تواند از حاکمیت خود محافظت کرده و آن را بازسازی کند، در حالی که روسیه باید با هزینه‌های پایدار حماقت پوتین دست‌وپنجه نرم کند. خروج ایالات متحده از درگیری در این دوره حیاتی و قطع حمایت از اوکراین، یک گل تاریخی به دروازه خودی خواهد بود.

بازی قدرت شی

هیچ‌کس بیشتر از رهبر چین، حمایت ایالات متحده را از اوکراین زیر نظر نگرفته است. چین تنها رقیب ایالات متحده است که هم قصد دارد در نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیکی، نظامی و تکنولوژیکی برای انجام این کار را در اختیار دارد. تحول اقتصادی چین در پنج دهه گذشته فوق‌العاده بوده است. این یکی از مواردی است که مردم چین به خاطر آن مستحق احترام زیادی هستند و بقیه جهان نیز با این باور که یک چین مرفه به نفع جهان است، از آن حمایت کرده‌اند. اما مسئله، صرفاً ظهور چین نیست، بلکه اقدامات تهدیدآمیز است که به‌طور فزاینده‌ای با این ظهور همراه شده است. شی چین‌پینگ، رهبر چین، سومین دوره ریاست جمهوری خود را با قدرتی بیشتر از هر یک از اسلاف خود از زمان مانو تسه تونگ آغاز کرده است. شی به جای استفاده

نگاه سیاستمدار



ویلیام برنز در دیدار با جو بایدن / عکس: فابریان افتر

فعالیت سازمان‌های جاسوسی در شکل

جاسوس‌پروری

FOREIGN AFFAIRS



همانطور که پریزیدنت جو بایدن مدام بیان کرده، امروز ایالات متحده با یکی از آن دوره‌های نادر مواجه است که پیامدهای آن چیزی شبیه به دوران آغاز جنگ سرد یا دوره پس از ۱۱ سپتامبر است. ظهور چین و ستیزه‌جویی روسیه، چالش‌های ژئوپلیتیکی دلپره‌آوری را در دنیایی که رقابت استراتژیک در آن به شدت در جریان است، ایجاد می‌کند

از این قدرت برای تقویت و احیای نظام بین‌المللی که تحول چین را ممکن کرد، قصد دارد این نظم را باز نویسی کند. در حرفه اطلاعاتی، مان‌آچه رهبران می‌گویند راه دقت مطالعه می‌کنیم. اما بیشتر به آنچه آنها انجام می‌دهند، توجه می‌کنیم. سرکوب فراینده شی در داخل و پر خاشگرسی او در خارج از کشور، از شراکت «بدون محدودیت» با پوتین تا تهدیدات او برای صلح و ثبات در تنگه تایوان را به هیچ‌وجه نمی‌توان نادیده گرفت.

با این حال، تأثیر همبستگی و اتحاد غرب بر محاسبات شی در مورد خطرات استفاده از زور علیه تایوانی که در ژانویه، لای چینگ‌ته را به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب کرد نیز نمی‌توان نادیده گرفت. از نظر شی، که تمایل دارد ایالات متحده را به‌عنوان یک قدرت در حال افول در ذهن خود محسم کند، مدیریت و رهبری آمریکا در اوکراین قطعاً غافلگیرکننده بوده است. تمایل ایالات متحده برای تحمیل و وارد آوردن آسیب اقتصادی به روسیه برای مقابله با تجارزات پوتین، توانایی این کشور برای گردهم آوردن متحدانش برای انجام این کار، به شدت با باور پکن مبنی بر اینکه آمریکا در حال ورود به فاز نهایی افول است، تناقض داشت. انعطاف‌پذیری شبکه متحدان و شرکای آمریکایی در سراسر اقیانوس هند و پاسیفیک و در نزدیکی مرزهای چین، تأثیری هوشیارکننده بر تفکر پکن داشته است. بنابراین کنار گذاشتن حمایت از اوکراین به‌طور قطع به احیای مجدد تصورات چینی‌ها از بی‌تفاوتی آمریکا نسبت به متحدانش و دامن زدن به تهاجم چین به تایوان، ختم خواهد شد. ادامه حمایت مادی از اوکراین به قیمت از دست دادن تایوان تمام نمی‌شود بلکه پیام مهمی از عزم ایالات متحده برای کمک به تایوان را مخابره می‌کند.

رقابت با چین در پس‌زمینه وابستگی متقابل اقتصادی و روابط تجاری بین این کشور و ایالات متحده صورت می‌گیرد. چنین ارتباطاتی به‌طور قابل توجهی به دو کشور و سایر نقاط جهان خدمت کرده است، اما در عین حال آسیب‌پذیری‌هایی حیاتی و خطرانی جدی برای امنیت و رفاه آمریکا نیز ایجاد کرده است. همه‌گیری کوید-۱۹ خطر وابستگی به هر کشوری را برای تأمین تجهیزات حیاتی پزشکی برای هر دولتی روشن کرد؛ درست همانطور که جنگ روسیه در اوکراین خطرات وابسته شدن به یک کشور برای